

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

راهکارهای مقابله با افتراء از دیدگاه آیات و روایات

زهرا ابراهیم پور

چکیده

افتراء یکی از صفات ناپسندی است که بر زبان و دل انسان جاری می شود و به دنبال خود تباهی و خصومت های شدیدی به همراه دارد . هدف از این پژوهش ارائه راهکار مناسب برای مقابله با این عمل رذیله و پست است تا شاید برای افتراء زندگان عبرتی شود و از آن دوری جویند . این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. محقق در پی آن است تا پس از آشنایی و درک صحیح از معنای لغوی و اصطلاحی افتراء، به روشهای صحیح و مناسب مقابله با این عمل ، که دین اسلام به آن تأکید نموده بپردازد تا از فساد اخلاقی در اجتماع و عادی شدن این گناه در بین جامعه جلوگیری نماید و حافظ سلامت روانی افراد و بلکه جامعه شود . در این تحقیق به افتراء در مورد پیامبران ، زنان و مردان مؤمن و آثار و عقوبت این اعمال اشاره شده است که پس از بررسی های لازم می توان نتیجه گرفت که مهمترین راه مقابله با افتراء و تهمت، اقامه دلیل و برهان از افراد و در مقابل افترایشان و مجازات شدیدی که برای این افراد وجود دارد.

کلید واژه ها: افتراء، بهتان، راهکارها، آیات و روایات

هدف از نوشتن این تحقیق ارائه راهکارهای قرآنی برای مقابله با افتراء است افتراء زندگان از این عمل زشت دوری جویند. در آیات و روایات از این عمل صحبت فراوانی به میان آمده است و انسان ها را از این عمل ناشایست نهی نموده و برای کسانی که چنین عملی انجام داده‌اند مجازات هایی هم در این دنیا و هم در آخرت برایشان در نظر گرفته شده است. در این تحقیق در مورد مجازات افتراء به زنان پاکدامن که همان قذف است اشاره شده و سپس به شرط مهم قبولی توبه افتراء زندگان و همچنین مجازات تهمت به همسر و مجازات افک اشاره شده و به یکی از راههای مقابله با این عمل جهمان پند و موعظه از انسان را هدایت کرده و ماجرای از اثبات بی گناهی حضرت یوسف(ع) در برابر تهمت زنان مصر را بازگو کرده است.

اگر به این مسئله پرداخته شود باعث می شود انسان از این راهکارها آگاهی پیدا کرده و در زندگی خود استفاده کند و خود را از افتراء زدن به دیگران منع کند، و از فساد اخلاقی در اجتماع جلوگیری کند.

ضرورت پرداختن به راهکارهای مقابله با افتراء از دیدگاه آیات و روایات از آنجاست که اگر از آن غفلت شود عواقب و پیامدهایی دارد از جمله باعث می شود این گناه در جامعه عادی شده و فساد اخلاقی در اجتماع پراشود و سلامت روانی افراد و بلکه جامعه ایمن نباشد.

در آیات و روایات زیادی و همچنین در کتب متعددی به این مسئله پرداخته شده است. در این مقاله بعد از مفهوم شناسی افتراء و بهتان، به شرط مهم قبولی توبه افتراء زندگان پرداخته، و بعد از آن مجازات افتراء زندگان را بیان می کند، و در آخر به راهکارهای مقابله با افتراء از دیدگاه آیات و روایات پرداخته است.

و اما کتابهایی که در این زمینه نوشته شده است از جمله: آقای محمدی ری شهری در کتاب دانش نامه قرآن و حدیث فارسی- عربی آورده: بهتان، در لغت واژه «بهتان»، مصدر و از ریشه «بهت» است که بر گفتن سخنی یا انجام دادن کاری دلالت دارد که موجب مات و مبهوت و متحیر نمودن کسی می شود. از همین رو، به سخن

دروغی که در آن، کار خلافی به کسی نسبت داده شود، بهتان گویند؛ چون معمولاً آن شخص از شنیدن چنین نسبتی در تحیر و شگفتی می ماند.^۱

آقای رضوان فر در کتاب فرهنگ اخلاقی معصومین علیهم السلام (حرف ب) نوشته: غیبت آن است که درباره برادرت (برادر دینی) آن چیزی را که خداوند آن را برایش پوشیده داشته است، بگویی، ولی اگر چیزی را که در او نیست، بگویی، پس این، مصداق این سخن خداوند است که فرمود: همانا بهتان و گناه آشکاری بر دوش کشیده است.^۲

آقای محمدی ری شهری در کتاب دانش نامه قرآن و حدیث فارسی - عربی بیان می کند: امام علی علیه السلام در نهج البلاغه فرمود: «ای مردم! هر کس برادر خود را به استواری در دین و درستی راه، شناخت، دیگر هرگز نباید به گفته های مردم در باره او گوش سپارد. آگاه باشید که گاه تیرانداز تیر می افکند و تیرها به خطا می رود، و بسا سخنی که باطل است و بطلان آن، از بین می رود، و خدا شنوا و گواه است. آگاه باشید که میان حق و باطل، تنها چهار انگشت فاصله است». از امام علیه السلام در باره معنای این سخنش سؤال شد. ایشان، انگشتان خود را به هم چسباند و آنها را میان گوش و چشم خویش نهاد و سپس فرمود: «باطل، این است که بگویی: شنیدم، و حق، آن است که بگویی: دیدم».^۳

آقای حسینی قمی در کتاب وعده های الهی به صابران... اینگونه آورده: رسول خدا صلی الله علیه و آله در روایتی فرمودند: اگر مردی به همسرش تهمت بزند، مخصوصاً در مسائل اخلاقی، از حسنات خود خارج می شود، چنان که مار از پوست خود خارج می شود. چگونه مار پوست می اندازد و از پوست خود بیرون می رود؟ چنین کسی از تمام حسنات و کارهای خوبش بیرون می رود.^۴

پژوهش حاضر در چهار محور به بررسی راهکارهای مقابله با افتراء از دیدگاه آیات و روایات اشاره دارد:

۱. مفهوم شناسی

۲. شرط مهم قبولی توبه افتراء زندگان

۳. مجازات افتراء زندگان

۴. راهکارهای مقابله با افتراء از دیدگاه آیات و روایات

۱. محمدی ری شهری، دانش نامه قرآن و حدیث فارسی - عربی، ج ۱۶، صص ۸۹-۹۰

۲. رضوان فر، فرهنگ اخلاقی معصومین علیهم السلام (حرف ب)، ص ۲۴۶

۳. محمدی ری شهری، دانش نامه قرآن و حدیث فارسی - عربی، ج ۱۶، ص ۱۴۱

۴. حسینی قمی، وعده های الهی به صابران...، ص ۱۵۷

۱. مفهوم شناسی

۱-۱- مفهوم افتراء

افتراء یعنی نسبت دادن یک جرم به دیگری با علم به بیگناه بودن او. افتراء و تهمت دو کلمه تقریباً هم معنی هستند و به عنوان یک رفتار توسط قانونگذار جرم انگاری شده اند. اگر فردی بدون دلیل و مدرک و با علم به بی گناه بودن یک شخص، به جرمی نسبت دهد مرتکب جرم افتراء شده است و با مجازاتی که قانون گذار برای آن در نظر گرفته است روبه رو خواهد شد. افتراء در لغت به معنی دروغ بستن، بهتان زدن و در اصطلاح حقوقی عبارت است از نسبت دادن صریح عمل مجرمانه، برخلاف حقیقت واقع به شخص.

۱-۲- بُهتان در لغت

بُهتان، در لغت واژه «بُهتان»، مصدر و از ریشه «بُهت» است که بر گفتن سخنی یا انجام دادن کاری دلالت دارد که موجب مات و مبهوت و متحیر نمودن کسی می شود. از همین رو، به سخن دروغی که در آن، کار خلافی به کسی نسبت داده شود، بهتان گویند؛ چون معمولاً آن شخص از شنیدن چنین نسبتی در تحیر و شگفتی می ماند. ابن فارس در این باره می گوید: الباءُ وَ الهاءُ وَ التاءُ أصلٌ واحدٌ وَ هُوَ كَالدَّهْشِ وَ الْحَيْرَةِ ؛ يُقَالُ : بُهَتَ الرَّجُلُ يُبْهَتُ بَهْتًا ، وَ الْبَهْتَةُ الْحَيْرَةُ ، فَأَمَّا الْبُهْتَانُ فَالْكَذِبُ ، يَقُولُ الْعَرَبُ : يَا لَلْبَهَيْتَةِ ، أَيْ يَا لَلْكَذِبِ. «با و ها و تا ، دارای یک ریشه معنایی است و آن، حیرت و سرگردانی است. گفته می شود: بُهَتَ الرَّجُلُ يُبْهَتُ بَهْتًا و بهتانا، یعنی: آن مرد، مبهوت و متحیر شد. «الْبَهْتَةُ» یعنی: حیرت؛ اَمَّا بُهْتَانٌ به معنای دروغ است. عرب می گوید: «يَا لَلْبَهَيْتَةِ!» یعنی: عجب دروغی! همچنین ابن منظور در معنای بهتان آورده است: بُهَتَ الرَّجُلُ يُبْهَتُهُ بَهْتًا وَ بَهْتًا وَ بُهْتَانًا، فَهُوَ بَهَاتٌ أَيْ قَالَ عَلَيْهِ مَا لَمْ يَفْعَلْهُ فَهُوَ مَبْهُوتٌ ... قَالَ أَبُو إِسْحَاقَ : الْبُهْتَانُ الْبَاطِلُ الَّذِي يُتَحَيَّرُ مِنْ بَطْلَانِهِ ، وَ مِنْ الْبَهْتِ : التَّحَيَّرُ. «عبارت [بُهَتَ الرَّجُلُ يُبْهَتُهُ بَهْتًا وَ بَهْتًا وَ بُهْتَانًا ، فَهُوَ بَهَاتٌ] یعنی: به آن فرد، چیزی نسبت داد که انجامش نداده است. به آن مرد، «مبهوت (بهتان زده شده)» می گویند ... ابو اسحاق می گوید: بُهْتَانٌ ، به معنای امر باطلی است که از نادرستی آن، انسان حیرت می کند ، و از معنای بهت است معنای: تحیر (سرگردانی). و نیز راغب می گوید: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ : بَقَرَهُ : آيَةُ ٢٥٨ «فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ» أَيْ دُهِشَ وَ تَحَيَّرَ . وَ قَدْ بَهْتَهُ ، قَالَ عَزَّ وَ جَلَّ : نُوْرٌ : آيَةُ ١٦ «هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ»، خداوند عز و جل

۱. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة : ج ۱ ص ۳۰۷ ماده «بُهت»

۲. بقره، آیه ۲۵۸

۳. نور، آیه ۱۶

نیرنگ آنها آگاه است» قَالَ مَا خَطْبُكُنَّ إِذْ رَاوَدْتُنَّ يُوسُفَ عَنْ نَفْسِهِ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوءٍ قَالَتِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ الْآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ أَنَا رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ^۱ (پادشاه آن زنان را طلبید و) گفت: «به هنگامی که یوسف را به سوی خویش دعوت کردید، جریان کار شما چه بود؟» گفتند: «منزه است خدا، ما هیچ عیبی در او نیافتیم» (در این هنگام) همسر عزیز گفت: «الآن حق آشکار گشت! من بودم که او را به سوی خود دعوت کردم و او از راستگویان است.)

« ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْخَائِنِينَ^۲ » (این سخن را به خاطر آن گفتم تا بداند من در غیاب به او خیانت نکردم؛ و خداوند مگر خائنان را هدایت نمی‌کند.)

حضرت یوسف(ع) بعد از اینکه به خاطر تهمت ناروا به زندان افتاد و پس از سالها در زندان به علت تعبیر زیبایی که از خواب پادشاه زندان نمود پادشاه او را طلبید. یوسف(ع) نمی‌خواست به سادگی از زندان آزاد شود و تنگ عفو شاه را بپذیرد. او نمی‌خواست پس از آزادی، به صورت یک مجرم یا دست کم یک متهم که مشمول عفو شاه شده است، زندگی کند. او می‌خواست نخست درباره علت زندانی شدنش تحقیق شود و بی‌گناهی و پاکدامنی‌اش کاملاً اثبات گردد، سپس تبرئه و با سربلندی آزاد شود. در ضمن، آلودگی سازمان حکومت مصر را ثابت کند.^۳ در روایتی از پیامبر اکرم(ص) آمده است: «صبر و بزرگواری یوسف(ع) شگفت انگیز است. هنگامی که آمدند و از او تعبیر خواب پادشاه را پرسیدند، نگفت تا وقتی که از زندان بیرون نیایم، نمی‌گویم؛ ولی هنگامی که آمدند او را از زندان آزاد کنند، بیرون نیامد تا از اتهامی که به او زده بودند، تبرئه گردد.»^۴ همین صبر و بزرگواری باعث شد پادشاهی که در ابتدا (آیه ۵۰) گفته بود «او را نزد من آورید» (در آیه ۵۴) بگوید: «او را نزد من آورید تا وی را مخصوص خود گردانم».^۵

۱. یوسف، آیه ۵۱

۲. یوسف، آیه ۵۲

۳. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۴۳۰

۴. طیب، اطیب البیان، ج ۷، ص ۲۱۰

۵. طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۱۱، ص ۲۰۳

باید توجه داشت که آیه ۵۲ سخن حضرت یوسف (ع) است و نه سخن همسر عزیز مصر. این شیوه یعنی ذکر سخنی از شخصی بدون آوردن نام گوینده در قرآن زیاد به کار رفته است. منظور از این که یوسف فرمود: «این سخن را به خاطر آن گفتم» همان سخنی است یوسف در دو آیه پیش درباره تحقیق و تفحص برای اثبات بی گناهی خود بیان کرد. یوسف(ع) فرمود که من آن در خواست را برای آن کردم که حقیقت مشخص شود تا اولاً عزیز مصر یقین کند که من در غیاب او قصد سوئی به همسرش نداشتم و ثانیاً همه بفهمند که خائن کیست و به طور کلی خائنان روسیاه شوند. در ضمن، این کلام یوسف، پاکی و صداقت او را برای همگان ثابت کرد، و به همین جهت، هنگامی که آمادگی خود را برای سرپرستی خزائن مصر اعلام کرد، پادشاه فوراً پذیرفت. امیرالمؤمنین علی(ع) می فرماید: مؤمن به برادر مؤمنش فریبکاری نمی کند و به او خیانت نمی ورزد و او را خوار نمی سازد و به او تهمت نمی زند.^۲

و در حدیث دیگری از ایشان هست که فرمودند: «هیچ بی شرمی و بی وقاحتی چون بهتان زدن نیست»^۳ و در روایتی از رسول خدا(ص) آمده که فرمودند: «هر کس به مرد یا زن مؤمن بهتان زند یا درباره ی او چیزی بگوید که از آن مبرا است، خداوند متعال در روز رستاخیز او را بر تلی از آتش نگه دارد تا از حرف زدن خود درباره آن مؤمن برگردد.»^۴

۱. همان، ص ۲۰۲

۲. ابن بابویه، الخصال، ج ۲، ص ۶۲۲

۳. تمیمی آمدی، غرر الحکم، حدیث ۴۴۳۸

۴. ابن بابویه، عیون اخبار الرضا(ع) ج ۲، ص ۳۳

نتیجه گیری

با توجه به آیات و روایاتی که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته شد مشخص گردید که هیچ کس نمی تواند بدون دلیل قطعی چیزی را به کسی نسبت دهد که در آن نیست و اگر کسی چنین کاری کند باید شاهد بیاورد و در صورت عدم شاهد باید مجازات سنگینی همچون قذف شامل حال او شود و هیچ مردی نیز حق تهمت زدن به زن خود را ندارد. یکی دیگر از راههایی که می توان باعث جلوگیری این عمل زشت شد پند و موعظه است که خداوند آنرا در آیاتش بیان نموده است. بنابراین هیچ کس نباید به کسی تهمت زند و فردی که مورد تهمت قرار گرفته است باید سعی کند مانند حضرت یوسف(ع) بی گناهی خود را ثابت کند.

فهرست منابع

*قرآن کریم

- ۱- ابن بایویه، محمد بن علی، **الخصال**، مترجم: محمدباقر کمره ای، تهران، کتابچی، چاپ هشتم، ۱۳۷۷
- ۲- -----، **عیون اخبار الرضا**، مترجم: علی اکبر غفاری، حمیدرضا مستفید، بی جا، بی نا، ۱۳۷۲
- ۳- ابن فارس، احمد بن فارس، **معجم مقاییس اللغة**، قم، مکتب الإعلام الإسلامی، مرکز النشر، چاپ اول، ۱۴۰۴
- ۴- بروجردی، ابراهیم، **تفسیر جامع**، تهران، صدر، چاپ سوم، ۱۳۶۷
- ۵- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، **غرر الحکم و درر الکلم**، قم، دارالکتاب الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق
- ۶- حر عاملی، محمد بن الحسن، **وسائل الشیعه**، چاپ اول، قم، موسسه آل البیت(ع)، ۱۴۰۹ ق
- ۷- حسینی قمی، سیدحسین، **وعده های الهی به صابران: صبر بر گناه، صبر بر فقر و الگوهای صبر به ضمیمه بحث توبه**، قم، نشر عطش، ۱۳۹۲
- ۸- رضوان فر، احمد، **فرهنگ اخلاقی معصومین علیهم السلام (حرف ب)**، قم، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۴
- ۹- طباطبایی، محسن، **تفسیر المیزان**، محمد باقر موسوی همدانی، چاپ ۳۱، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۹۰
- ۱۰- طیب، سید عبدالحسین، **اطیب البیان**، تهران، اسلام، چاپ دوم، ۱۳۷۸

- ۱۱- قرائتی، محسن، **تفسیر نور**، قم، دوم، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳
- ۱۲- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، مترجم: جابر رضوانی، قم، انتشارات بنی الزهراء، ۱۳۸۸
- ۱۳- کلینی، محمد بن یعقوب، **ترجمه اصول کافی**، عباس حاجیان دشتی، اول، قم، موعود اسلام، ۱۳۹۰
- ۱۴- مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، جمعی از محققان، دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق
- ۱۵- محمدی ری شهری، محمد، **دانش نامه قرآن و حدیث فارسی - عربی**، ج ۱۶، با همکاری جمعی از پژوهشگران، مترجم: حمیدرضا شیخی، قم، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۹۰
- ۱۶- مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، بیست و نهم، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵
- ۱۷- نوری، میرزا حسین، **مستدرک الوسائل**، بیروت-لبنان، موسسه آل البيت عليهم السلام لإحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۰۸